

سیره قرآنی

د امام محمد باقر

اسماعیل نساجی زواره

■ پگاه سخن

پنجمین ستاره قروان آسمان امامت هفتمین گوهر عرش عصمت و طهارت حضرت امام محمد باقر (ع) در روز سوم ماه رجب و نقلی در روز اول ماه رجب سال ۷۵ هجری در مدینه منوره دیده به جهان گشود. (۱) پدرش حضرت علی بن الحسین (ع) و مادرش حضرت فاطمه (س) دختر امام حسن مجتبی (ع) است که امام صادق (ع) از وی با تعبیر "کانت صدیقه لم یدرک مثلها فی آل الحسین" (۲) یاد نموده است، لذا امام باقر (ع) نخستین کسی است که پدرش از نسل امام حسین (ع) و مادرش از نسل امام حسن (ع) است. (۳)

آن حضرت افزون بر لقب "شاکر" و "هادی" به لقب "باقر العلوم" شهرت یافت، به طوری که جابر بن یزید جمعی می‌گویند: "لأنه باقر العلم بقرأی شقّه و اظهره اظهاراً" (۴) او علم را شکافت و رموز و نکات دقیق آن را روشن ساخت.

ایشان در واقعه جانگداز کربلا همراه پدر و در کنار جدش حضرت سیدالشهدا (ع) کودکی بود که چهارمین بهار زندگی اش را آغاز کرده بود. آن بزرگوار بعد از شهادت پدرش حضرت امام سجاد (ع) در سال ۹۵ هجری کشتی هدایت امت اسلامی را در میان دریای متلاطم حوادث رهبری کرد و به مدت ۱۹ سال و چند ماه زعامت شیعیان را عهده‌دار شد و سرانجام در روز هفتم ماه ذی الحجه سال ۱۱۴ هجری در سن ۵۷ سالگی به دستور هشام بن عبدالملک دهمین خلیفه بنی امیه مسموم شد و در مدینه به شهادت رسید و در کنار مرقد مطهر پدر بزرگوارش حضرت زین العابدین (ع) در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد.

آن حضرت در دوران امامت خویش فرصت‌های مناسبی را برای گسترش فرهنگ قرآنی و استحکام معارف شیعی و ترویج آن در میان اقشار مختلف مسلمانان به دست آورد، به طوری که با اندک مطالعه در سیره آن بزرگوار می‌توان به حضور گسترده آیات وحیانی در تمام زوایای زندگی‌اش پی برد.

سخت‌ترین فرقه امامت شیعیان در آن زمان طاهرینش آن چنان قرآن را با برنامه‌های زندگی خود عجین کرده بود که کم‌تر روایتی زلمی‌تول از آن بزرگوار به دست آورد که در آن اشاره شاهد و یا تفسیری از قرآن نباشد، به طوری که تمام سخنان، پاسخ‌ها و مثال‌های ایشان برگرفته از مقال وحی است.

به بهانه شهادت آن امام همام (ع) در این فرصت به سراغ رهنمودهای گهربارشان در زمینه آیات فراوان رفته تا بازتاب انوار درخشان الهی را در سیره و گفتار حضرتش به نظاره بنشینیم.

■ آگاه‌ترین مفسر عصر خویش

با استناد به آموزه‌های دینی و روایی، امامان معصوم (ع) شایسته‌ترین ترجمان وحی و آشناترین افراد به تفسیر و تأویل آیات قرآن هستند. بنابراین اگر تشنگان معارف الهی بخواهند از چشمه سار وحی سیراب شوند، باید پوینده راه آن بزرگواران باشند. حضرت علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: "...نحن احقّ الناس به... (۵) ما امامان معصوم (ع) برای تفسیر قرآن از همه مردم شایسته‌تر هستیم. بر این اساس امام محمد باقر (ع) می‌فرماید: "ما یستطیع احدٌ ان یدعی انّ عنده جمیع القرآن کله ظاهره و باطنه غیر الارصیاء" (۶) کسی به غیر از جانشینان پیامبر (ص) نمی‌تواند ادعا کند که تمام قرآن، ظاهر و باطنش، نزد اوست و نیز می‌فرماید: "ان من علم ما اوتینا تفسیر القرآن و احکامه" (۷) حقیقتاً دانشی که به ما داده شده است همان تفسیر قرآن و بیان احکام آن است.

سخت‌ترین فرقه امامت شیعیان در آن زمان طاهرینش آن چنان قرآن را با برنامه‌های زندگی خود عجین کرده بود که کم‌تر روایتی زلمی‌تول از آن بزرگوار به دست آورد که در آن اشاره شاهد و یا تفسیری از قرآن نباشد، به طوری که تمام سخنان، پاسخ‌ها و مثال‌های ایشان برگرفته از مقال وحی است.

به بهانه شهادت آن امام همام (ع) در این فرصت به سراغ رهنمودهای گهربارشان در زمینه آیات فراوان رفته تا بازتاب انوار درخشان الهی را در سیره و گفتار حضرتش به نظاره بنشینیم.

لذا امام باقر (ع) همانند پدران بزرگوارش با راهنمایی‌های صحیح و منطقی وجدان‌های خفته بسیاری از افراد را بیدار می‌کرد و آنان را به سوی کمال رهنمون می‌نمود. ابوحمزه ثمالی در این زمینه چنین نقل می‌کند: روزی امام باقر (ع) با قتاده بن دعامة بصری روبرو شد، حضرت پرسید: تو کیستی؟ گفت: قتاده هستم. فرمود: تو فقیه اهل بصره هستی؟ گفت: آری. حضرت فرمود: وای بر تو ای قتاده! خلدوند بندگان شایسته‌ای را آفریده است تا بر دیگران حجت باشند. آنان بر یادارنده اوامر الهی و نخبگان علم خدا هستند. قتاده پس از یک سکوت طولانی گفت: به خدا سوگند من تاکنون در برابر فقیهان بسیاری نشستام، ولی آن گونه که در برابر شما مضطرب شده‌ام در مقابل هیچ یک از آنان اضطراب مرا در بر نگرفت. امام باقر (ع) فرمود: تو می‌دانی کجا نشستهای؟ تو در مقابل خاندانی هستی که خلدوند در شأن و مقام آنان فرموده است: فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها

۱۳۲۷

۱۷۴۳۷



اثبات مقام امامت

امام باقر(ع) برای شناساندن جایگاه امامت به مردم و جلب دل‌ها به سوی محبت اهل بیت(ع) از هیچ کوششی فروگذار نبود و درصدد بود تا با این شیوه جایگاه امامت و ولایت را به گونه‌ای روشن برای مردم ترسیم کند ایشان به منظور اثبات مقام امامت در کودکی به ائمه اطهار(ع) آیه‌ای از قرآن را که در شان و مقام حضرت یحیی(ع) است، مورد استناد قرار می‌دهند یا یحیی خذ الكتاب بقره و آتیناه الحکم صبیاً؛^(۱۶) ای یحیی! دستورات آسمانی را با تمام توان فراگیر و ما در همان سن کودکی مقام نبوت را به وی عطا کردیم.

یک سال امام محمد باقر(ع) و فرزندش امام صادق(ع) به فرمان هشام بن عبدالملک (دهمین خلیفه بنی امیه) به شام دعوت شدند درباریان مشغول تیراندازی بودند و هشام اصرار نمود که حضرت باقر(ع) هم در این برنامه شرکت کند. آن حضرت کمان را به دست گرفت و تیر به زه آن نهاد، به طوری که با پرتاب آن درست وسط هدف قرار گرفت و تیرهای بعدی بر پیکان تیر اول فرود آمد. هشام ظاهراً این کار را تحسین نمود ولی از همان موقع نقشه بر شهادت رساندن آن امام را در سر پروراند. هشام خطاب به ایشان گفت: تاکنون تیراندازی بدین زبردستی ندیده‌بودم و گمان نمی‌کنم کسی به اندازه تو این گونه توانایی و مهارت داشته باشد! هشام در ادامه گفت: آیا فرزندت جعفر می‌تواند این چنین تیراندازی کند؟ امام پاسخ داد: ما توانایی کامل و تمام را از یکدیگر به ارث می‌بریم، همان کمال و تمامی که خنودند آیه‌اش را بر پیامبر نازل کرد: *الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً*؛^(۱۷) امروز دین را برای شما کامل کردم و نعمت خویش را برای شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان دین کامل برای شما برگزیدم.^(۱۸)

عروج ملکوتی

جابر بن یزید جعفی یکی از مهم‌ترین تربیت شدگان مکتب باقرالعلوم(ع) است. او به مدت ۱۸ سال در مدینه از محضر مبارک امام کسب فیض نمود و هزاران حدیث نورانی را در سینه خود جای داد. وی می‌گوید از امام باقر(ع) سؤال کردم که در آیه شریفه: *و کذلک نری ابراهیم ملکوت السموات و الأرض*^(۱۹) منظور از ملکوت آسمان‌ها و زمین که خداوند به حضرت ابراهیم نشان داد چیست؟ دیدم آن حضرت داستان مبارک خود را به طرف آسمان بالا برد و

قی الأرض فلیس علیکم جناح، ان تقصروا من الصلوة...^(۲۰) هنگامی که سفر می‌روید بر شما نیست که نماز خود را کوتاه کنید... به امام گفتند: *فقط فرموده بر شما است که نماز را بکوتاهانید*؛ *ففرموده: اقلوا* که ظهور در وجوب داشته باشد پس چگونه از این آیه فهمیده می‌شود که واجب گردانیده است؟ امام فرمود: آیا نمی‌دانید که خداوند در مورد صفا و مروه فرموده است: *فمن حج البیت او اعتمر فلا جناح علیه ان یطوف بهما...*^(۲۱) پس هر کس حج خانه خدا و یا عمره را به جا آورد، بر او گناهی نیست که سعی بین صفا و مروه را انجام دهد.

آیا نمی‌بینید که طواف آن دو (صفا و مروه) واجب شده است؟ چون خداوند در قرآن آورده و پیامبر(ص) نیز بدان عمل کرده است. *تقصیر* در سفر نیز همین گونه است که پیامبر(ص) بدان عمل کرده است و پروردگار متعال نیز آن را در کتابش آورده است.

زراره در جای دیگر می‌گوید: از امام محمد باقر(ع) سؤال کردم: شما در مسح پا و سر، تمام سر و پا را مسح نمی‌کنید، بلکه مسح مقداری از آن را کافی می‌دانید، آیا ممکن است بیان کنید که این حکم را چگونه و از کجا بیان می‌فرمایید؟ امام(ع) با تبسمی پاسخ داد: این همان مطلبی است که در قرآن کریم آمده است. *خداوند می‌فرماید: ...و امسحوا برؤسکم...*^(۲۲) و سرهایتان را مسح کنید و *و امسحوا برؤسکم* بنابراین وقتی قرآن می‌گوید: *برؤسکم* مقداری از مسح سر کافی است و این مطلب از کلمه *ب* که *حرف چاره* است فهمیده می‌شود و در واقع امام حرف *باء* را *باء تبعیضیه* در نظر گرفته است که دلالت بر جزء از کل می‌کند. امام در ادامه فرمود: در عبارت *وارجلکم الی الکرعین* کلمه *ارجل* عطف به *رؤس* است بنابراین می‌فهمیم که مسح قسمتی از پا برای وضو کافی است و این همان چیزی است که پیامبر اکرم(ص) آن را برای مردم تفسیر کرده بود اما مردم به سخن ایشان هیچ توجهی نکردند و آن را تباه ساختند.^(۲۳)

است... یسبح له فیها بالغدو و الاصال رجال لا تلهیهم تجارة و لایع عن ذکر الله و اقام الصلوة و ایتاء الزکوة...^(۲۴) این چراغ فروزان در خانه‌هایی قرار دارد که خداوند دستور داده آن را بالا برنده خانه‌هایی که نام خدا در آن‌ها برده می‌شود و شب و روز در آن‌ها خداوند را تسبیح می‌گویند. پاک مردانی که هیچ تجارت و کسبی آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات غافل نمی‌کند. امام(ع) در ادامه فرمود: ما همان خاندانی هستیم که خداوند این گونه توصیف نموده است.^(۲۵)

تبیین فرهنگ اجتهاد

یکی از شاخه‌های مهم علوم اسلامی علم اصول است که به کمک آن می‌توان احکام دینی را از ادله و براهین شرعی استنباط و استخراج نمود. تمام دانشمندان شیعی معتقد هستند که امام باقر(ع) نخستین کسی است که این علم را تأسیس نمود و قواعد آن را تدوین و جمع‌آوری کرد و از این رهگذر دروازه اجتهاد را به روی دانشمندان و طالبان علوم اسلامی باز نمود.^(۲۶) بنابراین آن حضرت در دوران امامت خویش به رغم این که عرصه فرهنگی جامعه گرفتار چالش‌های عقیدتی و درگیری‌های مختلف فقهی بود، سعی نمود تا با تبیین شیوه‌های صحیح اجتهاد به نهادینه ساختن این فرهنگ بین دانشمندان علوم اسلامی اقدام نماید.

زراره بن اعین و محمد بن مسلم ثقفی که از بزرگ‌ترین راویان احادیث اهل بیت(ع) قلمداد می‌شوند، در روایتی می‌گویند: از امام باقر(ع) در مورد نماز مسافر سؤال کردیم. امام(ع) فرمود: خداوند در قرآن می‌فرماید: *واذا ضربتم*

به من فرمود: نگاه کن تا بفهمی که نظاره گز چه چیزی هستی؟ من نوری را دیدم که از دستان آن حضرت به آسمان متصل شده است، به گونه‌ای که چشم‌ها را خیره می‌کند و عقل‌ها را مات و میهوت. آن گاه به من فرمود: حضرت ابراهیم(ع) ملکوت آسمان‌ها و زمین را این چنین دید. بعد امام دست مرا گرفت و به درون خانه برد. لباس خویش را عوض کرد و فرمود: چشم بر هم بگذار! بعد از لحظاتی گفت: می‌دانی کجا هستیم؟؟ گفتم: نه. فرمود: در آن ظلماتی هستیم که ذوالقرنین به آن جا گذر کرده بود. گفتم: اجازه می‌دهید که چشم‌انهم را باز کنم؟ فرمود: باز کن اما هیچ چیز نخوئی دید. چون چشم گشودم در چنان تاریکی بودم که زیر پایم را نمی‌دیدم.

اندکی رفتیم باز هم فرمود: ای جابرا می‌دانی در کجایی؟ گفتم: نه. امام فرمود: بر سرچشمه‌ای که خضر(ع) از آن آب حیات خورده است. آن حضرت هم چنان مرا از عالمی به عالم دیگر می‌برد تا به پنج عالم رسیدیم. فرمود: ابراهیم(ع) ملکوت آسمان‌ها و زمین را این گونه مشاهده کرد. او دید که ملکوت آسمان‌ها دوازده عالم است و هر امامی که از ما از دنیا برود، در یکی از این عوالم ساکن می‌شود تا وقتی که ظهور قائم آل محمد(ص) فرا رسد.

امام باقر(ع) دوباره فرمود: چشم بر هم بگذار و بعد از لحظه‌ای فرمود: چشم بگشا! چون چشم گشودم خود را در خانه آن حضرت دیدم. آن بزرگوار لباس قبلی خود را پوشید و به مجلس قبلی برگشتیم. من عرض کردم: فدایت شوم چه قدر از روز گذشته است، فرمود: سه ساعت. (۲۰)

یاران استوار

امامان معصوم(ع) به جهت اهمیت مسأله مهدویت و غیبت دوازدهمین حجت الهی در فرصت‌های مناسب با استناد به آیات قرآن از عصر ظهور سخن گفته و شیعیان را با ویژگی‌های دولت کریمه حضرت مهدی(عج) آشنا نموده‌اند. پنجمین فروغ امامت در توصیف یاران قائم آل محمد(ص) به ابوخالند کابلی فرمود:

من به گروهی می‌نگرم که در آستانه ظهور از طرف مشرق زمین به پا می‌خیزند آنان برای رسیدن به حق و ایجاد حکومت الهی تلاش می‌کنند، به طوری که کسی نمی‌تواند جلو آنان را بگیرد. این حق جویان وقتی که حکومت را به دست گرفتند، آن را به غیر از ولی امر مسلمین به کس دیگری نمی‌سپارند. کشته‌های ایشان از شهیدان راه حق محسوب می‌شوند. امام باقر(ع)

در ادامه به ابوخالند فرمود: اگر من آن روزگاران را درک کنم، جانم را برای فداکاری در رکاب حضرت صاحب الامر(ع) تقدیم می‌کنم.

سپس در مورد استقامت و استواری یاران حضرت مهدی(عج) به این آیه از قرآن استناد کرد: **فَإِذَا جَاء وَعْدَ أُولَئِهِمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا!** (۲۱) پس چون وقت انتقام اول فرا رسد بندگان جنگجو و نیرومند خود را بر ضد شما بر می‌انگیزیم، به گونه‌ای که درون خانه‌های شما را جست و جو کنند و مجرمان را دستگیر نمایند و این وعده یک امر قطعی است. سپس آن بزرگوار فرمود: این بندگان پیکارجو و نیرومند که به طرفداری از حق به پای خیزند، همان آخرین حجت خدا و یاران وفادار او هستند. (۲۲)

رجعت در عصر ظهور

یکی از امتیازات مکتب اهل بیت عصمت و طهارت(ع) اعتقاد و التزام به اندیشه و تفکر رجعت است. پیوندگان و سالکان کوی آن مکتب با الهام از آموزه‌های قرآنی و سنت بر این باور هستند که هنگام ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی(عج) عذم‌های از پیشینیان به زندگی این دنیا باز خواهند گشت. سپس دوباره قبض روح می‌شوند و در روز قیامت محشور خواهند شد. این اعتقاد مسلم شیعی بر گرفته از آیات قرآن است. در مقال وحی آیات زیادی به رجعت مردم در گذشته اشاره شده است، همچون: **زنده شدن گروهی از قوم بنی اسرائیل، (۲۳) زنده شدن عَزَّیر بعد از صد سال، (۲۴) داستان اصحاب کهف (۲۵) و زنده شدن مردگان به دست حضرت عیسی(ع) (۲۶) نمونه‌هایی از رجعت افراد در اقوام گذشته است.**

امام پنجم(ع) در سیره خود بر این باور و حیاتی شیعه تأکید نموده و به این آیه شریفه استناد کرده است: **وَيَوْمَ نَحْشُرُ مَنْ كَفَرَ أُمَّةً فَوْجًا!** (۲۷) و روزی فرا می‌رسد که ما از هر امتی

گروهی را زنده کرده و محشور می‌کنیم. این آیه به روشنی دلالت دارد بر این که قبل از قیامت گروه‌هایی از مردم زنده می‌شوند و به این دنیا باز می‌گردند. بنابراین قرآن نه تنها به موارد و مصادیق رجعت در این دنیا اشاره کرده، بلکه به رجعت گروهی نیز قبل از قیامت تأکید دارد.

سید مرتضی(ره) از دانشمندان بلند پایه مکتب اهل بیت(ع) در مورد رجعت و توضیح سخن امام باقر(ع) می‌گوید: خداوند متعال در آستانه ظهور حضرت مهدی(عج) گروهی از اصوات شیعه را زنده می‌کند تا به ثواب نصرت و یاری آن حضرت نایل آمده و نظاره‌گر تشکیل دولت کریمه آن حضرت باشند و طعم شیرین عدالت و حکومت ایشان را بچشند و گروهی دیگر از دشمنان اهل بیت(ع) را محشور می‌گرداند تا از آنان قبل از قیامت انتقام گرفته و این ظالمان در دنیا ذلت و خواری کفر و نفاق را احساس کنند. (۲۸)

پی‌نوشت‌ها:

۱. اعیان الشیعه، سید محسن امین، ج ۱، ص ۶۵۰
۲. بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۲۶، ص ۲۱۵
۳. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه(ع)، رسول جعفریان، ص ۲۸۵
۴. علل الشریعه، شیخ صلیح، ج ۱، ص ۲۳۲
۵. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۱۲۵، ص ۲۳۸
۶. اصول کافی، محمد بن یعقوب کاتبی، ج ۱، ص ۲۳۸
۷. همان، ص ۲۳۸
۸. تفسیر العزرات، شیخ ابوالقاسم فرات کوفی، ص ۲۵۸
۹. سوره نوره، آیات ۲۷-۲۶
۱۰. بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۲۵۸
۱۱. حیات الامام محمد الباقی، باقر شریف قرشی، ج ۱، ص ۲۲۶
۱۲. سوره نساء، آیه ۱۰۱
۱۳. سوره بقره، آیه ۱۵۸
۱۴. سوره مائده، آیه ۶
۱۵. وسایل الشیعه، محمد بن حسن حر عاملی، ج ۱، ص ۲۹۰
۱۶. سوره مریه، آیه ۱۲
۱۷. سوره مائده، آیه ۳
۱۸. دلایل الامامة، محمد بن جریر طبری، ص ۴
۱۹. سوره امام، آیه ۷۵
۲۰. حدیقه الشیعه، مقدس لردییلی، ص ۵۲۱
۲۱. سوره اسراء، آیه ۵
۲۲. تفسیر عیاشی، ابونصر محمد بن مسعود صرقدی، ج ۲، ص ۲۸۱
۲۳. نکه: سوره بقره، آیه ۵۵
۲۴. نکه، همان، آیه ۲۵۹
۲۵. نکه: سوره کهف، آیه ۱۲
۲۶. نکه، سوره آل عمران، آیه ۲۹
۲۷. سوره نحل، آیه ۸۲
۲۸. مع الشیعه الامامیه فی عقائد هم، آیت الله جعفر سبحانی، ص ۱۳۶

